

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فیش منبر

شب قدر

شب قدر و راز مخفی بودن آن



تهیه در کانال فیش منبر و مرثیه در ایستا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

یکی از زمانهایی که در منابع دینی، اهمیت فراوانی دارد، شب قدر است. در قرآن کریم، شب قدر، بهتر از هزار ماه خوانده شده است. مفهوم واژه ی «قدر» در لغت به معنای بیان مقدار چیزی است. ۱ در جای دیگری آمده که قدر به معنای اندازه و مقدار هر چیز اعم از زمان، مکان و .. است. ۲

در معنای طاقت و توانایی نیز کاربرد دارد، ۳ چنان که در قرآن آمده: «علی الموسع قدره؛ آن کس که توانایی دارد به اندازه ی توانایی اش» ۴ اندازه و مقیاس هر چیز، و نیز به معنای سخت گیری و ضیق گرفتن، از دیگر معانی مورد استعمال این واژه است. ۵

«شهید مطهری» در این باره می گوید: «قدر به معنای اندازه و تعیین است ... حوادث جهان از آن جهت که حدود، اندازه و موقعیت مکانی و زمانی آن ها تعیین شده است، مقدر به تقدیر الهی است.» ۶ پس در یک کلام «قدر» به معنای ویژگی های طبیعی و جسمانی چیزهاست که شامل شکل، حدود، طول، عرض و موقعیت های زمان و مکانی آن ها می گردد و تمام موجودات مادی و طبیعی را در بر می گیرد. ۷

در بیان دیگری از شهید مطهری آمده است: «تعبیر فلسفی قدر، اصل علیت است. اصل علیت همان پیوند ضروری و قطعی حوادث با یک دیگر [است] و این که هر حادثه ای تحت و قطعیت ضروری و قطعی خود و نیز تقدیر و خصوصیات وجودی خود را از امر یا اموری مقدم بر خود گرفته است. اصل علیت عمومی و نظام اسباب و

مسببات، بر جهان و جمیع وقایع و حوادث جهان حکم فرماست. و هر حادثی،
 ضرورت و قطعیت وجود خود و نیز شکل و خصوصیت زمانی و مکانی و سایر
 خصوصیات وجودی اش این را از علل متقدمه‌ای برخوردار کرده و یک پیوند
 ناگسستنی میان گذشته، حال و آینده میان هر موجودی و علل متقدمه‌ای اوست. ۸
 در بیان دیگری آمده است که قدر یعنی ویژگی هستی و وجود هر چیز و چگونگی
 آفرینش آن. به عبارت دیگر اندازه و محدوده‌ای وجودی هر چیز «قدر» نام دارد. ۹
 این معنا از روایات نیز استفاده می‌شود. چنان که از امام صادق (ع) پرسیده شد:
 «فما معنی قدر؛ معنای قدر چیست؟» امام فرمود: «تقدیر الشیء من طول و عرضه؛
 اندازه‌گیری هر چیز اعم از طول و عرض آن است.» ۱۰ در روایت دیگری آمده
 است که امام رضا (ع) در بیان معنای قدر فرمود: «هو الهندسه من الطول و العرض و
 البقاء؛ اندازه‌گیری هر چیز اعم از طول و عرض و بقای آن است.» ۱۱
 بنابراین تقدیر الهی این است که در جهان مادی، آفریده‌ها از حیث هستی و آثار
 و ویژگی‌های شان محدوده‌ای خاص داشته باشند. این محدوده با امور خاص
 مرتبط است. اموری که علت‌ها و شرایط مخلوقات محسوب می‌شوند و به دلیل
 اختلاف علل و شرایط هستی، آثار و ویژگی‌های موجودات مادی نیز متفاوت
 است. هر موجود مادی به وسیله‌ای قالب‌هایی از داخل و خارج اندازه‌گیری
 می‌شود. این قالب، حدود مادی آن شیء (یعنی طول، عرض، شکل، رنگ و
 موقعیت مکانی و زمانی و سایر عوارض و ویژگی‌ها) به شمار می‌آید. پس معنای

تقدیر الهی در موجودات مادی یعنی هدایت آن‌ها به سوی مسیر هستی‌شان که برای آن‌ها مقدر گردیده و با آن قالب‌گیری شده‌اند. ۱۲

چرا آن را «شب قدر» می‌نامند؟

ازیرا تمام حوادثی که قرار است در طول سال در جهان هستی و همچنین در زندگی انسان‌ها، اتفاق بیافتد، در این شب تقدیر، اندازه‌گیری، تصویب و امضا می‌شود. چنان که از امام باقر(ع) نقل شده است: «يقدر فی لیله القدر کل شیء یكون فی تلک السنه الی مثلها من قابل من خیر و شر و طاعه و معصیه و مولود، او اجل او رزق، فما قدر فی تلک السنه و قضی فهو المحتوم؛ همه‌ی چیزهایی که بناست در طول این سال ابتدای سال آینده اتفاق بیفتد، در این شب اندازه‌گیری و مشخص می‌گردد. اعم از کارهای خیر و نیکی، شر و بدی، طاعت و معصیت خدا، تولد، مرگ و روزی. بنابراین هر چیزی که در این شب قدر مقدر و اندازه‌گیری و امضا شود، حتمی خواهد بود.» ۱۳

در روایت دیگری از طریق اهل سنت نیز به همین وجه اشاره گردیده است: «ان الله قدر ما یکون فی ملک السنه من مطر او رزق و احیاء و اماته الی مثل هذه اللیله من السنه الاتیه؛ خداوند آن چه از باران، روزی، تولد و مرگ و میر در طول سال و تا شب قدر آینده اتفاق می‌افتد، در این شب تقدیر و اندازه‌گیری می‌کند.» ۱۴

همچنین این دلیل را آیات قرآن نیز تأیید می‌کند چنان‌که خداوند در یکی از آیات می‌فرماید: «فیها یفرق کل امر حکیم؛ در آن شب هر امری براساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد.» ۱۵

معنای آیه این است که تمام امور در این شب براساس حکمت الهی محکم می‌گردد؛ به گونه‌ای که هیچ‌گونه کم و زیادی در آن رخ نمی‌دهد. در این شب روزی‌ها در میان روزی‌خوران الهی تقسیم و اجل‌ها و مدت عمر انسان‌ها مشخص و تمام اموری که مقرر است در جهان آفرینش و همچنین در زندگی انسان‌ها اتفاق بیفتد، معین می‌گردد.

۲. قدر به معنای شرافت و عظمت نیز استفاده شده. ۱۶ این شب را به این دلیل قدر نامیده‌اند که دارای شرافت و عظمت است. اگر شب نزول قرآن، «قدر» نامیده شده به دلیل اهمی‌بوده که به مقام و منزلت آن داشته و عنایتی که به عبادت متعبدان در این شب شده است. ۱۷

۳. در شب قدر، فرشتگان زیادی به زمین فرود می‌آیند، تا آن‌جا که محیط زمین تنگ می‌گردد. در این وجه، واژه‌ی «قدر» به معنای تنگ شدن اطلاق گردیده است. ۱۸ چنان‌که در قرآن کریم نیز به همین معنا استعمال شده: «فمن قدر علیه رزقه؛ آن‌ها که تنگ‌دست هستند از آن‌چه که خدا به آن‌ها انفاق نماید.» ۱۹

زمان شب قدر

از منابع اسلامی به ویژه شیعه، استفاده می‌شود که شب قدر در ماه مبارک رمضان، قرار دارد.

این مطلب را آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) تأیید می‌کنند؛ چرا که خداوند در یک جا می‌فرماید: «ما قرآن را در ماه رمضان نازل کردیم.» ۲۰ و در جای دیگر می‌فرماید: «انا انزلناه فی ليله القدر، قرآن را در شب قدر نازل کردیم.» ۲۲ که مقتضای جمع میان این دو آیه این است که شب قدر در ماه مبارک رمضان واقع شده است. قرار گرفتن شب قدر در ماه مبارک رمضان، فضیلت بزرگی برای این ماه شریف است. زیرا عبادت در آن شب از طاعات هزار ماه بهتر است و درک این فضیلت تنها در ماه مبارک رمضان امکان پذیر است.

روایات اهل بیت (ع) نیز وجود شب قدر در ماه رمضان را تأیید می‌کند چنان که امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: «فغزّه الشهور شهر الله عزّ ذکره و هو شهر رمضان و قلب شهر رمضان ليله القدر؛ گرامی‌ترین ماه، ماه خداست که ماه رمضان است و قلب رمضان، شب قدر است.» ۲۲

همچنین به نقل از پیامبر اکرم (ص) اسلام آمده است که خطاب به مردم فرمودند: «ایها الناس انه قد اظلكم شهر فیه ليله خیر من الف شهر و هو شهر رمضان. ..؛ ای

مردم به شما ماهی سایه افکنده که در آن شبی قرار دارد که از هزار ماه بهتر است و آن ماه، ماه رمضان است.» ۲۳

اما این که کدام یک از شب‌های ماه مبارک رمضان، شب قدر است، در روایات اسلامی اختلاف است. می‌توان روایت‌ها را به سه دسته تقسیم نمود (گرچه خارج از این سه گروه نیز روایاتی وجود دارد.) به‌طور اجمال به برخی از آن اشاره می‌شود:

گروه اول:

روایاتی است که یکی از سه شب را به‌عنوان شب قدر معرفی می‌کند چنان که آمده است: «عن ابی علی قال: سئلت ابا عبد الله (ع) عن ليله القدر؟ قال: اطلبها فی تسع عشر و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين؛ راوی می‌گوید از امام صادق (ع) در مورد شب قدر پرسیدم. امام فرمود: شب قدر را در نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم جست‌وجو کن.» ۲۴

باز هم در روایت دیگری آمده است که شخص از امام صادق (ص) پرسید: «اللیالی التي یرجى فیها من شهر رمضان؟ فقال: تسع عشره و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين» راوی پرسید: در کدام شب از شب‌های رمضان امید می‌رود که شب قدر باشد؟ امام صادق (ع) در جواب فرمود: «نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم.» ۲۵

در تعبیر دیگری از امام صادق(ع) آمده است: «التقدير في ليلة تسع عشر و الابرام في ليلة

احدى و عشرين و الامضاء في ليلة ثلاث و عشرين تقدير و اندازه گیری در شب نوزدهم و ابرام و محکم شدن در شب بیست و یکم و امضاء در شب بیست و سوم است.» ۲۶

براساس این دسته روایات، شب قدر یکی از این سه شب در ماه مبارک رمضان است و کسانی که به دنبال درک فضیلت شب قدر هستند باید آن را در این سه شب جستجو کنند و برای اطمینان بیش تر به درک این فضیلت لازم است هر سه شب را به عبادت پردازند.

گروه دوم:

دسته ی دوم از روایات در این رابطه، دلالت بر این دارد که شب قدر یکی از دو شب یعنی بیست و یکم و بیست و سوم است و برای درک شب قدر باید در این دو شب به عبادت و دعا پرداخت چنان که «فضل بن یسار» از امام جواد(ع) نقل می کند: «کان ابو جعفر(ع) اذا کان ليله احدى و عشرين و ليلة ثلاث و عشرين اخذ في الدعاء حتى يزول الليل فاذا زال الليل صلى؛ امام جواد(ع) در شب بیست و یکم و بیست و سوم تا صبح به دعا می پرداخت.» ۲۷

در روایت آمده است که زراره از امام باقر(ع) در مورد شب قدر پرسید و امام باقر(ع) در جواب فرمود: «هی احدی و عشرين او ثلاث و عشرين شب بیست و یک و یا بیست و سه» ۲۸

امام صادق(ع) نیز در جواب کسی که از شب قدر پرسید فرمود: «هی ليله احدی و عشرين او ليله ثلاث و عشرين شب بیست و یکم و یا بیست و سوم شب قدر است» ۲۹

براساس مفاد این دو گروه از روایات شب قدر یکی از این دو شب یعنی بیست و یکم و بیست و سوم است و باید شب قدر را در میان این دو شب دنبال کرد و برای اطمینان به درک شب قدر بهتر است این دو شب را به عبادت دعا و شب زنده داری پرداخت تا احتمال دست یابی به فضیلت شب قدر بیش تر گردد و درصد احتمال درک شب قدر زیادتر گردد.

گروه سوم:

دسته سی سوم از روایات به این مطلب تأکید دارد که احتمال شب بیست و سوم ماه رمضان برای این منظور بیشتر است؛ چنان که در روایتی از امام باقر(ع) (چنین نقل شده است: «ان الجهنی اتی النبی(ص) فقال: یا رسول الله ان لی ابلاً و غنماً و غلّه (قلمه) فاحب ان تأمر بليله ادخل فیها فأشهد الصلوه و ذلک فی شهر رمضان فدعاه رسول الله(ص) فسارّه فی اذنه فکان الجهنی اذا اکان ليله ثلاث و عشرين دخل بابه و

غنمه و أهله الی مکانه؛ مردی به نام «جهنی» خدمت پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله من دارای گوسفند و شتر هستم. دوست دارم دستور بدهی که یک شب را در ماه رمضان وارد شهر مدینه شوم و خدا را عبادت کنم. پیامبر (ص) در حق او دعا کرد و به گوش او چیزی گفت و آن مرد از خدمت پیامبر خارج شد. بعدها مردم می‌دیدند که آن مرد در شب بیست و سوم ماه رمضان با شتران، گوسفندان و اهل و عیال خود وارد مدینه می‌شد.» ۳۰

براساس این حدیث مرد جهنی به پیامبر عرض می‌کند که من به دلیل این که گله دار و صحرانشین هستم همیشه نمی‌توانم در نماز جماعت شما در مدینه شرکت نمایم. از شما خواهش می‌کنم که به من دستور دهید که در طول سال یک شب را به مدینه آمده، در نماز جماعت شما شرکت نمایم؛ و البته دوست دارم آن شب در ماه رمضان باشد. پیامبر به گوش او چیزی گفت. بعدها مردم می‌دیدند آن مرد در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان با دام‌ها و حیوانات خود وارد مدینه می‌شد و در مسجد پیامبر به نماز و عبادت مشغول می‌گشت. این عمل پیامبر و رفتار آن مرد این احتمال را تقویت می‌کند که شب قدر همان شب بیست و سوم باشد.

البته علاوه بر این سه گروه روایاتی دیگری نیز وجود دارد که برخی از شب‌های دیگر را به عنوان شب قدر معرفی می‌کند که علما به آن‌ها اعتنا نکرده‌اند.

از جمله مواردی که در کتب روایی و تفسیری اهل سنت در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد و سرانجام اجماع عالمان این مذهب بر آن مهر خاتمه می‌نهد، موضوع جایگاه زمانی شب قدر است. به عنوان نمونه «فخر رازی» در این رابطه هشت قول بیان می‌دارد و در نهایت یکی از آن‌ها را تقویت می‌کند: «در تعیین شب قدر در میان علماء اختلاف وجود دارد. شب اول، شب هفدهم، شب یازدهم، شب بیست و سوم، بیست و چهارم و بیست و پنجم، بیست و هفتم و نهم و .. آن چه نظر بیشتر علما بر آن قرار دارد، بیست و هفتم است.» ۳۱

در بیان دیگری آمده است: «بعضی آن را شب بیست و یکم رمضان می‌انگارند و برخی آن را شب بیست و هفتم رمضان می‌دانند و بعضی آن را شب‌های ده-گانه‌ی آخر ماه رمضان می‌شمارند و برخی آن را در ماه رمضان به طور کلی می‌دانند. به هر حال شب قدر شبی از شب‌های رمضان است.» ۳۲

در روایات اهل سنت نیز احتمالات زیادی بیان گردیده است: از پیامبر نقل شده است که شب قدر بیست و یکم ماه رمضان، بیست و سوم ماه رمضان، بیست و پنجم ماه رمضان، بیست و هفتم ماه رمضان و آخر ماه رمضان است. ۳۳

از «ابن عباس» نقل شده: «التمسوا ليله القدر في اربع و عشرين؛ شب قدر را در بیست و چهارم ماه رمضان بجوئید.» ۳۴

عن النبي(ص): التمسوها في العشر الا و آخر في كل وتر؛ شب قدر را در ده شب
آخر و در هر شب فرد آن بجوئید.» ۳۵

«انس بن مالک» می‌گوید: «التمسوا ليله القدر في اول ليله من رمضان و في تسعه و
احدى عشره و في احدى و عشرين و في آخر ليله من رمضان؛ شب قدر را در شب
اول ماه رمضان، و نهم ماه رمضان، در یازدهم ماه رمضان، در بیست و یکم رمضان و
در آخر شب رمضان جست‌وجو کنید.» ۳۶

در بیان دیگر آمده: «كان رسول الله يقول: تحرّوا اليه القدر في العشر الا و آخر من
رمضان؛ شب قدر را در ده شب آخر ماه رمضان بجوئید.» ۳۷

در نقل دیگری آمده است: «قدر روى عن الی بن کعب انه كان يحلف انها ليله سبع و
عشرين يقول: اخبرنا رسول الله بذلك بعلامتها فعدّنا حفظنا؛ «الی بن کعب» گفته
است که قسم می‌خورم که شب بیست و هفتم ماه رمضان شب قدر است. او
می‌گفت که پیامبر اکرم(ص) علامت‌های شب قدر را برای‌مان بیان کرده بود و
ما محاسبه کردیم و آن علامت را در شب بیست و هفتم ماه رمضان یافتیم.» ۳۸
از عبدالله بن مسعود نیز نقل شده که شب قدر در ماه رمضان و در شب بیست و
هفتم آن قرار دارد.» ۳۹

عبدالله بن عمر به نقل از پیامبر گفت: «التمسوا ليله القدر ليله سبع و عشرين، شب
قدر را در بیست و هفتم ماه رمضان بجوئید.» ۴۰

از مجموع آن چه بیان گردید استفاده می شود که علمای اهل سنت در زمان شب قدر اختلاف زیادی دارند. در نهایت به این نتیجه می توان رسید که - از نظر اهل سنت - شب قدر در ماه مبارک رمضان و در دهه ی آخر آن قرار دارد. از میان احتمالاتی که در این رابطه داده شده، احتمال این که شب بیست و هفتم ماه رمضان شب قدر باشد بیش تر تقویت شده که در این رابطه شواهد مؤیدی نیز بیان گردید.

عمومیت شب قدر

از مباحث دیگری که به شب قدر ارتباط دارد، اختصاص به دوره ی خاص و یا عمومیت آن به همه ی دوره هاست. از نظر منابع شیعه، شب قدر عمومیت داشته، در هر سال برای همیشه ی تاریخ وجود دارد. چنان که از امام باقر(ع) نقل شده است: «نعم ليله القدر و هي في كل سنة في شهر رمضان في العشر و الاخر فلم ينزل القرآن الا في ليله القدر؛ بله شب قدر در هر سال و در ماه رمضان در دهه ی آخر ماه آن وجود دارد و قرآن نازل نشده جز در شب قدر.» ۴۱

در روایت دیگری به نقل از «اباذر» آمده: «قال: قلت يا رسول الله! ليله القدر هي شئىء تكون على عهد الانبياء، ينزل فيها، فاذا قبضوا رفعت؟ قال: لا بل هي الى يوم القيامة؛ ابوذر می گوید: ای رسول خدا شب قدر تنها در عصر پیامبران است و با رحلت آنان شب قدر نیز برداشته می شود؟ پیامبر فرمود: نه، این گونه نیست، بلکه شب قدر تا روز قیامت ادامه دارد.» ۴۲

با توجه به این دو روایت می‌توان گفت که شب قدر اختصاص به دوره‌ای نداشته بلکه در همه‌ی دوران و اعصار تاریخ وجود خواهد داشت و هر سال در ماه رمضان تکرار می‌گردد.

راز مخفی بودن شب قدر

یکی از اموری که در ارتباط با شب قدر، قابل توجه است مخفی بودن شب قدر، در میان شب‌های ماه مبارک رمضان، به‌خصوص دهه‌ی آخر آن است. در بیان راز مخفی داشتن شب قدر حکمت‌هایی از سوی دانشمندان اسلامی بیان گردیده است: «فایده‌ی مخفی داشتن این شب آن است که مردم به عبادت خدا تلاش بیشتری کرده، به طمع درک شب قدر، تمام شب‌های ماه رمضان را احیا بدارند. چنان که خداوند نماز «وسطی» را در میان نمازهای پنج‌گانه مخفی داشته و نام «اعظم» خود را در میان نام‌هایش و ساعت استجابت دعا را در میان ساعت‌های روز جمعه پنهان نگاه داشته است.»^{۴۳}

در بیان دیگری در این ارتباط آمده است: «شاید انگیزه‌ی مخفی داشتن شب قدر این باشد که کسی که اراده‌ی درک شب قدر را دارد، شب‌های زیادی را به امید درک شب قدر شب‌زنده‌داری می‌نماید؛ در نتیجه، عبادت او زیاد و اجر و پاداش او افزایش یابد.»^{۴۴}

چنان که خداوند رضای خود در میان انواع طاعات خود پنهان نموده تا مردم به همه^۱ی طاعات الهی روی آورند؛ غضب و خشم خود را در میان گناهان پنهان کرده تا از همه^۱ی گناهان پرهیزند. دوستان خود را در میان مردم پنهان کرده تا مردم به همه^۱ی انسان-ها احترام بگذارند؛ اجابت^۱ دعاها را در میان دعاها پنهان کرده تا مردم به همه^۱ی دعاها رو آورند. و وقت مرگ را نیز مخفی داشته تا انسان^۱ها در همه حال، آمادگی مرگ را داشته باشند. ۴۵

نکته^۱ی دیگری که در بیان فلسفه^۱ی مخفی داشتن شب قدر بیان شده، این است : «وان لایتکل الناس عند اظهارها علی اصابه الفضل فیها فیفرّ طوافی غیره؛ راز مخفی داشتن شب قدر این است که مردم تنها به فضیلتی که از ناحیه^۱ی درک شب قدر نصیب^۱شان شده اکتفا نکنند که در انجام سایر وظایف خودشان کوتاهی نمایند.» ۴۶

بنابراین یکی از رازهای مخفی ماندن شب قدر مصون داشتن انسان^۱ها از دچار شدن به عجب و غرور است. زیرا اگر شب قدر معلوم باشد ممکن است، کسی با شب زنده^۱داری در آن دچار عجب شده، در انجام سایر تکالیف خود کوتاهی نماید.

شاید یکی از رازهای مخفی بودن شب قدر در میان چند شب این باشد که اگر کسی به شب زنده^۱داری و عبادت در یکی از آن شب^۱ها موفق نشد، ناامید نشده، شب دیگری را به امید درک فضیلت شب قدر به عبادت و شب زنده^۱داری پردازد. بدون شک این امر می^۱تواند یکی از الطاف الهی و از جلوه^۱های تسهیل و آسان-

گیری خداوند به بندگانش باشد. خداوند شب قدر را در میان چند شب مخفی داشت تا فرصت بیش‌تری به بندگان برای درک شب قدر داده شود و آن‌ها به امید دست یافتن به فضیلت شب قدر، شب‌های بیشتری را به عبادت و راز و نیاز با خداوند مشغول شوند.

اهمیت شب قدر

آغاز سال

یکی از دلایل اهمیت شب قدر آن است که تمام امور هستی و برنامه‌های مربوط به زندگی انسان در شب قدر تقدیر و اندازه‌گیری شده، به امضای حجت خدا به‌عنوان قطب عالم امکان می‌رسد و تا شب قدر آینده براساس آن تقدیر و اندازه‌گیری، اداره می‌شود. با توجه به این بینش، شب قدر آغاز سال بوده، به این دلیل اهمیت زیادی دارد. چنان که از امام باقر(ع) نقل شده است: «يقدر في ليلة القدر كل شيء يكون في تلك السنة الى مثلها من قابل من خير و شر و طاعة و معصية و مولود و اجل او رزق فما قدر في تلك السنة و قضی فهو المحتوم؛ تمام امور سال تا شب قدر آینده، در شب قدر، تقدیر، اندازه‌گیری و امضا می‌گردد. هر خیر و شر، طاعت و معصیت، تولد و مرگ و روزی افراد، همه در این شب معین می‌گردد. آن‌چه در [شب قدر] این سال تقدیر و امضا گردید، حتمی می‌شود.» ۴۷

در بیان دیگری از امام صادق(ع) آمده است: «لیله القدر هی اول السنه و هی آخرها؛ شب قدر آغاز سال و پایان آن است.» ۴۸ در روایت دیگر آمده است: «لیله القدر هی اول السنه؛ شب قدر آغاز سال است.» ۴۹

امام صادق(ع) فرمود: «رأس السنه لیله القدر یکتب فیها ما یکون من السنه الی السنه؛ شب قدر آغاز سال است و حوادث جهان تا سال آینده و تا شب قدر آینده نوشته می شود.» ۵۰

شب ولایت

یکی از دیگر امتیازات شب قدر آن است که شب ولایت امیرمؤمنان(ع) است . براساس آن چه از روایات اسلامی برمی آید، در کنار سایر امور هستی که در شب قدر تقدیر، اندازه گیری و امضا می گردد، ولایت اهل بیت نیز در این شب مقدر و امضا گردیده است. چنان که «مفضل بن عمر» نقل می کند: «ذکر عند ابی عبدالله انا انزلناه فی لیله القدر. قال: ما أبین فضلها علی السور! قال: قلت: و ای شیء فضلها؟ قال: نزلت ولایه امیرالمؤمنین فیها. قلت: فی لیله القدر الی نرتجیها فی شهر رمضان؟ قال: نعم؛ هی لیله قدرت فیها السموات و الارض و قدرت فیها ولایه امیرالمؤمنین فیها؛ در محضر امام صادق(ع) بودیم و سخن از سوره ی قدر به میان آمد. امام فرمود: فضیلت سوره ی قدر بر سایر سوره ها آشکار است. عرض کردم: فضیلت سوره ی قدر چیست؟ امام فرمود: در شب قدر ولایت امیرمؤمنان نازل شده است. پرسیدم: در همان شب قدری که امیدواریم در ماه رمضان باشد؟

امام فرمود: بله. همین شب قدری که در ماه رمضان قرار دارد؛ شبی است که در قرآن آسمان و زمین و ولایت امیرمؤمنان تقدیر و امضا شده است.» ۵۱

در روایت دیگری از امام علی(ع) آمده که فرمود: رسول خدا خطاب به من فرمود: «یا علی اتدري ما معنى ليلة القدر؟ فقلت: لا، یا رسول الله فقال: ان الله تعالى قدر فيها ما هو كائن الى يوم القيامة فكان فيما قدر ولایتک و ولایه الائمه عليهم السلام من ولدک الى يوم القيامة، ای علی آیا می‌دانی معنای شب قدر چیست؟ من عرض کردم نه ای رسول خدا. پیامبر فرمود: خداوند متعال در این شب آن‌چه که تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد، تقدیر و اندازه‌گیری می‌کند. در میان اموری که در این شب مقدر می‌گردد، ولایت تو و ولایت امامانی از فرزندان تو تا روز قیامت نیز هست.» ۵۲

براساس این روایات این شب، شب ولایت اهل بیت(ع) است چرا که ولایت ایشان در این شب مقدر گردیده است. فرشتگان نیز در این شب به محضر امام زمان(عج)، نازل می‌گردند.

تعیین سرنوشت

شاید هیچ چیزی برای انسان‌ها، مهم‌تر از سرنوشت آنان نباشد. همه‌ی آدم‌ها دوست دارند سرنوشت خوب داشته، در زندگی خوش‌بخت و سعادت‌مند باشند.

با توجه به ابدیت زندگی در جهان آخرت، خوش‌بختی و سعادت‌مندی در آن، برای همه‌ی انسان‌ها، به‌ویژه باورمندان به جهان آخرت اهمیت فراوانی دارد.

از آن‌جا که بین زندگی دنیا و آخرت پیوند و ارتباط عمیقی وجود دارد طبیعی است که خوش‌بختی در زندگی دنیا، در سعادت‌مندی جهان آخرت نیز تأثیرگذار است. براساس آیات و روایات اسلامی در شب قدر سرنوشت انسان‌ها در این دنیا تقدیر و اندازه‌گیری می‌گردد. بنابر این، این مقدرات نه تنها در دنیا که در آخرت نیز تأثیرگذارند.

نزول فرشتگان

یکی از مهم‌ترین روی‌دادهای شب قدر نازل شدن فرشتگان است. براساس آیات و روایات اسلامی، در شب قدر فرشتگان زیادی به اذن پروردگار فرود می‌آیند. «تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر؛ فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای هر کاری نازل می‌شوند.» ۵۳

در روایات اهل بیت(ع) نیز این امر مورد تأکید قرار گرفته است، چنان که ابن عباس از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است: «اذا كان ليله القدر، تنزل الملائکه الذین هم سكان سدره المنتهی و منهم جبرئیل فینزل جبرئیل و معه ألویه، ینصب لواء منها علی قبری و لواء علی بیت المقدس و لواء علی مسجد الحرام و لواء علی طور سینا و لا یدع مؤمناً و لامؤمنه الا سلام علیه الا من مدن الخمر و آکل لحم الخنزیر؛ هر گاه

شب قدر شود فرشتگانی که ساکنان سدره المنتهی هستند و یکی از آنان جبرئیل است نازل می‌شوند. هنگامی که جبرئیل نازل می‌شود، پرچم‌هایی در دست دارد. یکی از آن پرچم‌ها را بر روی قبر من و بقیه را در بیت المقدس، مسجدالحرام و طور سینا نصب می‌کند. هیچ مؤمنی را فروگذار نمی‌کند مگر این که بر او سلام می‌کند. جز شراب-خواران و خورندگان گوشت خوک.» ۵۴

در روایت دیگری از باقرین(ع) آمده است: «تنزل فیها الملائکه و الکتبه الی السماء الدنیا فیکتبون ما یکون فی امرا سنه و ما یصیب العباد؛ در شب قدر فرشتگان و نویسندگان به سوی آسمان دنیا فرود می‌آیند و آن چه از امور و حوادث سال و چیزهایی که به بندگان در طول سال اصابت می‌کند، می‌نویسند.» ۵۵

مفسران اسلامی نیز به این امر تأکید ورزیده‌اند: «فرشتگان به ویژه جبرئیل با اجازه‌ی پروردگارشان نازل می‌گردند و این قرآن را با خود همراه دارند. در میان آسمان و زمین پخش می‌شوند و در این جشن جهانی شرکت می‌کنند. جشنی که واژگان این سوره (ای-قدر) آن را به طرز شگفت‌آمیزی به تصویر کشیده است.» ۵۶

در شب قدر روح و جبرئیل و گروهی از فرشتگان که جز در این شب دیده نشده‌اند و سایر فرشتگان آنان را ندیده‌اند، به سوی زمین فرود می‌آیند. فرود آنان به دلیل اموری است که خداوند برای اداره‌ی جهان هستی تا شب قدر

آینده مقدر کرده، است. فرشتگان در این شب بر هر انسان مؤمن و مؤمنه ای که عبور می کند، سلام می نمایند. ۵۷

براساس روایات شیعه فرشتگان در شب قدر به محضر امام معصوم (ع) که حجت و ولی خداست مشرف می شوند. چنان که از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: «یا ابا هذیل انا لا نخفی علینا لیلہ القدر ان الملائکة لطوفون بنا فیها؛ ای «ابا هذیل» شب قدر از ما پوشیده نیست، زیرا در شب قدر فرشتگان در اطراف، طواف می کنند.» ۵۸

نزول قرآن

از امتیازات مهم شب قدر، نازل شدن قرآن به عنوان نسخه ای شفابخش و کامل ترین قانون برای اداره ای زندگی بشر است. در منابع اسلامی آیات و روایات زیادی وجود دارد، که این امر را تأیید می کند. در قرآن کریم سه آیه در این رابطه وجود دارد که از جمع میان آنها، می توان به این نتیجه رسید که قرآن کریم در شب قدر نازل شده است. در سوره ای بقره می فرماید: «شهر رمضان انزل القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان. ..؛ ماه رمضان ماهی است که قرآن برای راه نمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل نازل شده است.» ۵۹

در سورهٔ یٰ دُخَانِ می‌فرماید: «اِنَّا انزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ. ..؛ به درستی که ما آن را در شبِ پُربرکتی نازل کردیم.» ۶۰

در سورهٔ یٰ مَبَارَكَةِ می‌فرماید: «اِنَّا انزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. ..؛ ما قرآن را در شبِ قدر نازل کردیم.» ۶۱

جمع این سه آیه به اثبات می‌رساند که نزول قرآن را در شبِ قدر بوده است .
براساس این آیات شریفهٔ قرآن کریم که مائدهٔ یٰ بزرگ آسمانی است، در شبِ قدر نازل شده است.

ابن عباس می‌گوید: « خداوند قرآن را به‌طور یک‌جا از لوح محفوظ به‌سوی آسمان دنیا در شبِ قدر نازل کرد و سپس جبرئیل آن را در طول بیست و سه سال به‌تدریج نازل می‌کرد.» ۶۲ در بیان دیگری آمده که آغاز نزول قرآن در شبِ قدر بوده است. ۶۳

برتر از هزار ماه

یکی از ویژگی‌های شبِ قدر برتری عبادی آن است. براساس آن‌چه به‌طور صریح در قرآن آمده، شبِ قدر بر هزار ماه برتری دارد. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» ۶۴

از امام صادق(ع) پرسیده شد: «کیف تكون ليله القدر خير من الف شهر؟ قال: العمل فيها خير العمل في الف شهر ليس فيها ليله القدر؛ چگونه شب قدر از هزار ماه بهتر است؟ امام فرمود: «عمل در آن بهتر از عمل در هزار ماهی است که در آن، شب قدر وجود ندارد.» ۶۵

در بیان دیگری از امام باقر(ع) در تفسیر: «لیله القدر خیر من الف شهر» آمده است: «العمل الصالح فيها من الصلوه و الزکاه و انواع الخیر، خیر من العمل فی الف شهر لیس فیها لیله القدر و و لولا یضاعف الله تبارک و تعالی للمؤمنین ما بلغوا و لکنه الله یضاعف لهم الحسنات؛ رفتار شایسته^۱ ای مانند نماز، زکات و انواع کارهای نیک دیگر در شب قدر بهتر است از انجام این کارها، در هزار ماهی که شب قدر در آن وجود ندارد. اگر خداوند اجر و پاداش عمل بندگان خود را افزایش نمی^۲ داد، هرگز عمل یک شب به عمل هزار ماه نمی^۳ رسید. ولی خداوند نیکی^۴ های بندگان خود را چند برابر نموده است.» ۶۶

شب قدر آغاز سال جدید و پایان سال گذشته است. شب قدر شبی است که سرنوشت انسان^۱ ها در همه^۲ ی هستی، تقدیر و اندازه^۳ گیری می^۴ شود. در شب قدر فرشتگان رحمت الهی به زمین فرود آمده، به حجت الهی و به تبع آن وجود مقدس، به سایر مؤمنان سلام می^۱ کنند. شب قدر، شب ولایت الهی و اولیای اوست. در شب قدر مهم^۱ ترین نعمت خداوند یعنی قرآن مقدس نازل شده است، و

سرانجام، عبادت و راز و نیاز با خدا و انجام کارهای نیک در این شب بهتر از انجام این گونه رفتارها در هزار ماهی است که شب قدر در آن وجود ندارد.

پی نوشت:

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۵.

۲. مصطفی رحیمی نیا، ترجمه‌ی مفردات راغب، ص ۲۵۵.

۳. کتاب العین، ج ۵، ص ۷۷.

۴. بقره، آیه ۲۳۶.

۵. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۴۷.

۶. مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، ص ۵۷.

۷. همان، ص؟

۸. مرتضی مطهری، پیشین، ص ۵۵.

۹. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۱۰۳.

۱۰. احمد بن خال دبرفی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۴.

۱۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۲۵.

١٢. محمد حسين طباطبائي، الميزان، ص ١٠١-١٠٣.
١٣. محمد يعقوب كليني، فروع كافي، ج ٧، ص ٦٢٥.
١٤. افخر رازي، التفسير الكبير، بيروت دار احياء التراث العربي، [بي-تا]، ج ٣٢، ص ٢٨.
١٥. ادخان، آيه-٤.
١٦. افخر رازي، تفسير الكشاف، ج ٣٢، ص ٢٨.
١٧. محمد حسين طباطبائي، الميزان، ترجمه-١ محمد باقر موسوي، ج ٢، ص ٥٦٢.
١٨. افخر رازي، تفسير الكبير، ج ٣٢، ص ٢٨.
١٩. انفاق، آيه-٦.
٢٠. فضل طبرسي، مجمع البيان، ج ٩، ص ١٠٣.
٢١. بقره، آيه-١٨٥.
٢٢. قدر، آيه-١.
٢٣. محمد حر عاملي، وسايل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٠٥.
٢٤. همان، ص ٤٠٧.

۲۵. همان، ص ۳۶۱.

۲۶. همان، ص ۳۸۵.

۲۷. همان، ص ۳۵۴.

۲۸. همان، ص ۳۵۶.

۲۹. همان، ص ۳۵۱.

۳۰. همان، ص ۳۶۰.

۳۱. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۳۰.

۳۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ترجمه^۱ی مصطفی حرم دل تهران، نشر احسان، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۹۱۲.

۳۳. محمد بن عیسی بن سوره، سنن ترمذی، بیروت دارالکتب العربی، چاپ اول ۱۴۲۶، ه. ق، ص ۲۵۰.

۳۴. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۳۳.

۳۵. همان، ص ۲۵.

۳۶. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۳۲.

٣٧. محمد بن حجاج نيشابوري، صحيح مسلم، بيروت دارالفكر، چاپ اول،
٥١٤٢١ق، ص ٥٣٦.

٣٨. محمد بن عيسى بن سوره، پيشين، ص ٢٥٠.

٣٩. همان، ٢٥١.

٤٠. جلال الدين سيوطي، الدر المنثور، ج ٦، ص ٦٣٤.

٤١. محمد يعقوب كليني، فروع كافي، ج ٧، ص ٦٢٥.

٤٢. فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج ١٠، ص ٦٠٤.

٤٣. همان، ص ٤٠٨.

٤٤. محمد بن عمر زمخشري، الكشاف، بيروت دارالفكر، ٥١٤٢٦ق، ج ٤، ص ٢٧٣.

٤٥. ناصر مكارم، تفسير نمونه، ج ٢٧، ص ١٩٠.

٤٦. محمد بن عمر زمخشري، الكشاف، ج ٤، ص ٢٧٣.

٤٧. محمد يعقوب كليني، فروع كافي، ج ٧، ص ٦٢٥.

٤٨. همان، ص ٦٣١.

٤٩. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ١٤، ص ٦٠.

۵۰. محمد بن علی بابویه، صدوق معانی الاخبار، تهران مکتبه صدوق، ۱۳۷۱ ه.ق، ص ۳۱۶.

۵۱. محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، مؤسسه علمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۵، ص ۳۵۱.

۵۲. قدر، آیه ۴.

۵۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۰۹.

۵۴. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۷، ص ۶۲۳.

۵۵. سید قطب فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۹۱۴.

۵۶. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۳۷۳.

۵۷. نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۳۹.

۵۸. بقره، آیه ۱۸۴.

۵۹. دخان، آیه ۲.

۶۰. قدر، آیه ۱.

۶۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

٦٢هـمان، ص ٤٠٥.

٦٣هـقدر، آيه٦١ ص ٢.

٦٤هـوسايل الشيعة، ج ١٠، ص ٣٥١.

٦٥هـمحمد بن يعقوب كليني، فروع كافي، ج ٧، ص ٦٢٥.

٦٦هـفضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج ١٠، ص ٤٠٩.